



تامین بود. همان روزی که ایشان وسط جمعیت بود، دوستان دستگاه‌های اطلاعاتی شنود کرده بودند که یک نفر از باقیمانده عملیات در منطقه فعال است. به برکت خون حاج قاسم و همت نیروهای امنیتی موضوع جمع شد، ولی ایشان به شدت خطرپذیر بود.

در نوشهر باران شدیدی می‌آمد و یکی از محافظ‌ها از روی محبت بالای سر ایشان چتر گرفت. حاج آقا با عتاب چتر را از دستش گرفت. این رفتارها، ارتباطش با مردم، جوان‌ها، نخبگان، دانشجویان، طیف‌های مختلف، خانم‌ها، خانواده‌های شهدا دیده می‌شد. چقدر دلگرم می‌شدند و چقدر در حقیقت دعا می‌کردند. ایشان با حضورش در میدان، میدان را برای حضور خود مردم باز می‌کرد. نذرهای دعاها برای تمام مردم ایران و پای کار آمدن تمام روستاها و شهرهای اطراف محل حادثه جز معجزه انقلاب اسلامی چیز دیگری بود. از این حرکت جمعی، عظمت انقلاب اسلامی، عظمت کار امام، عظمت کار رهبری کاملاً آشکار است.

• **از نمونه‌های کارگشایی سفرهای استانی بگویید، اگر مصداقی تر باشد بهتر است.**

ببینید اساساً سفرهای استانی باعث می‌شوند که چهره واقعی مردم ایران رخ بنمایند. ورزشکارانی که چند روز پیش از حادثه رئیس جمهور را در صحنه دیدند، با شنیدن خبر سقوط بالگرد واکنش نشان دادند و عده‌ای از آنها اعم از زن و مرد، کوهنوردان، کشتی‌گیرها، والیبالیست‌ها پای کار آمدند. پس مردم ما آن چهره‌ای نیستند که رسانه‌های معاند از آنها تصویر می‌کنند. کسی مشکلات و مسائل را رد نمی‌کند. نقدها را همه می‌فهمیم. آقای رئیس جمهور به این جمع بندی رسید که بخش اعظم ثروت این مملکت زیر پای مردم عزیز خوزستان است و باید برای آنجا هزینه کرد. از روز اول دولت با خوزستان شروع کرد و ۷، ۸ مرتبه به آنجا رفت. مسئله فاضلاب را به جایی رساند که مردم از آن حجم مشکلات که واقعاً تعجب آور است تا حد زیادی خلاص شدند. مسئله‌ای که در ارتباط با صیادها هم‌زمان اتفاق افتاد. ایشان وقتی به آنجا رفت، به گزارش کارشناسی اکتفا نکرد و با خود آن آدم‌ها صحبت کرد.

چند وقت پیش از دفترشان به من زنگ زدند که گفته‌اند فلان پروژه در بم در چه وضعی است. ایشان در یکی از سفرهایش به بم، وضعیت آب را دیده و دستور داده بودند که این کار را انجام بدهید. می‌گفتند می‌خواهم بروم و بررسی کنم بینم مسئله آب بم حل شده یا نه؟ با من تماس گرفتند و گفتند از گروه‌های مختلف مردمی سؤال کنید و ببینید این گزارشی که وزارت نیرو داده دقیق است یا نه؟ ایشان به صحت گزارش وزیر خودش اطمینان دارد، ولی باز می‌خواهد برای اطمینان بیشتر با مردم هم چک کند.

وقتی به کردستان می‌رویم مردم مشکلاتشان و مسئله راه آهن را می‌گویند یا مسئله راه آهن در تبریز در سفری باز می‌شود، در سفر دوم که می‌رویم به بهره‌برداری می‌رسد. خیلی وقت‌ها گزارش برای شما می‌آید، ولی در محل است که حس می‌گیرید و راهکار پیدا می‌کنید.

یکی از ابتکارات ایشان در سفرهای استانی، جلسات حل مسئله است. بعضی وقت‌ها کارشناسان در تهران می‌آیند و می‌نشینند و می‌گویند فلان کار راه ندارد. در بحث آب خلیج فارس که استان‌های اصفهان، یزد، چهارمحال و بختیاری، کرمان و... مسئله داریم. ایشان رفت و کاملاً از کارشناسی‌ها اطلاعات گرفت که آب تا کجا چگونه می‌آید و بعد چگونه می‌شود با ابتکار، معادن را پای کار انتقال آب آورد. الحمدلله این مشکل در سه استان کرمان، یزد و اصفهان که تنش‌های آبی زیادی داشتیم، حل می‌شود. اتفاق نمی‌افتد مگر با سفر. وقتی ایشان می‌آید و نساجی مازندران را چک می‌کند که قبل از آن در زمان که در قوه قضاییه بوده، ابعاد کار را بررسی کرده بوده، تا اطمینان پیدا نکند که وام گرفته شده و آدم‌ها پای کار آمده‌اند و کارگر نیاید و فیش حقوقی او را چک نکنند که ببینند آیا به موقع حقوقش را می‌دهند یا نه؟ کار را رها نمی‌کند. بله، گزارشات تا یک حدی اعتبار دارند، ولی با حضور در میدان می‌شود تصمیمات دقیق و ریشه‌ای گرفت. ایشان در یکی از این بازدیدها به خیری برخوردند که تمام زندگی‌اش را گذاشته بود و داشت در جنوب شهر تهران بیمارستان می‌ساخت. خودشان آمدند و بیمارستان را افتتاح کردند. بعد از آن دستور دادند. خود آن خیرین آمدند و گفتند ما حاضریم سه تا بیمارستان برای کودکان بسازیم. این کاری است که ما باید سال‌ها بدویم تا بتوانیم با اعتبارات جاری کشور بسازیم. این خیر چه موقع حس می‌گیرد؟ موقعی که می‌بیند رئیس جمهور در کرج از مجموعه‌اش بازدید کرده است.

• **این روحیه در ایشان در قوه قضاییه و آستان قدس هم وجود داشت.**

بله. آقای رئیسی همیشه می‌گفت: «من یک طلبه ساده هستم». طلبه‌ای از دل مردم که الحمدلله به واسطه مردم‌داری و مردم‌فهمی و دلسوزی برای مردم، خداوند چنین عزتی را به او داد. مردم را به همه چیز ترجیح می‌داد. جمعه شب خیلی خسته بودم و یک حالت سرماخوردگی هم داشتم و چند سفر را هم پشت سر گذاشته بودیم و خلاصه دنبال این بودم که یک جوری شنبه را بیچانم و دو سه ساعتی استراحت کنم. دیدم ایشان اول صبح جلسه گذاشته. خدا شاهد است از خودم خجالت کشیدم. آدم شرمند می‌شد که این آدم شبانه‌روز، در فضای پر از استرس و فشار، کار می‌کرد. وسط این معرکه، اخبار رادیوهای خارجی را هم می‌شنید که بداند شورای امنیت دارد چه کار می‌کند یا چه مسئله‌ای در جریان است. شاید این رفتارهای مجاهدانه برای مادر جمهوری اسلامی عادی باشد، ولی برای مردم دنیا عادی نیست.

# امن هشتم

## یتیم‌پرور نام

### خودتان را دست کم نگیرید

#### گفت‌وگو با رئیس سازمان بهزیستی کشور

علی محمد قادری که در سال ۱۳۵۸ در تهران متولد شده دانشجوی دکتری مدیریت دولتی است. قادری در نوروز سال ۱۳۸۸ شمسی به مدیرکلی بهزیستی استان همدان منصوب شد، البته او سابقه مدیرکلی بهزیستی استان تهران را نیز در کارنامه دارد، او همچنین در سامانه ۱۳۷ شهرداری تهران فعالیت داشته است. قادری در دولت سیزدهم با حکم، حجت‌الله عبدالملکی، وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی به عنوان رئیس سازمان بهزیستی کشور منصوب شد.

• **یکی از جاهایی که شهید آیت‌الله رئیسی بیش از هر جای دیگری حضور پیدا می‌کرد، در کنار عزیزان سازمان بهزیستی بود. از این مراجعات برای ما بگویید.**

بسم الله الرحمن الرحیم. با نام حضرت حق سخن آراسته می‌کنم که بندگی اش عین سروری است و محبتش واقعیت عشق و عشقش بهانه‌ای است برای شهادت و پر کشیدن به سوی آن بی‌انتهای لطیف. من هم به همه آزاد مردان دنیا و شیفتگان شهید و سید عزیز، شهید راه خدمت تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم. ایشان یک شخصیت جامعه‌ساز، تحول‌گرا و ساختارساز بودند. روزی که به این دولت شرفیاب شدیم و لوح خدمتی خود را گرفتیم، این نوع خدمت با خدماتی که در طول زندگی انجام داده بودیم، متفاوت دیدیم. ایشان قبل از اینکه رئیس جمهور باشد، برای سلسله‌مراتب، وزرا، مسئولیت‌های مختلفی که در کشور مترتب بود. بنده به عنوان یک معاون وزیر باید با یک لایه بالاتر از خود ارتباط می‌گرفتم، اما هر موقع به ایشان می‌رسیدیم، من ایشان را پدر خودم می‌دانستم و فرمایشات و توصیه‌های ایشان که همچنان در گوش من زمره می‌شود، راجع به ایتمام، راجع به افراد دارای معلولیت.

• **از میزان این پیگیری‌ها بگویید.**

آیت‌الله رئیسی با وجود دغدغه‌های متعدد درباره افراد در معرض آسیب، فقرا و مبتلایان، همچنین کارهای میدانی، ملی و دیپلماتیکی که طی سه سال گذشته انجام دادند، زمانی را برای حضور در سازمان بهزیستی اختصاص می‌دادند. ما ۹ بار در شیرخوارگاه و مراکز مختلف بهزیستی به محضر ایشان رسیدیم و ایشان عشق و محبت خود را به این افراد ابراز می‌داشتند.

• **آن هم فقط در قامت رئیس جمهور، نه در طول مسئولیت‌های دیگر.**

بله. این خیلی بی‌بدیل بود. این یک رفتار خود منتشرشونده بود.

• **اگر طول خدمت شهید آیت‌الله رئیسی را سه سال در نظر بگیریم، ایشان هر سال سه مرتبه به مراکز مختلف بهزیستی سرکشی کرده و در کنار ایتمام و معلولین حضور داشته‌اند. نگاه ایشان به بهزیستی و دستورات متفاوتی که در این زمینه صادر کردند، چگونه بود؟**

به ایشان عرض کردم یک صف طویل از زنان سرپرست خانوار و جامعه هدف سازمان بهزیستی سال‌هاست که شکل گرفته است. از شهید دکتر فیاض بخش بنیانگذار سازمان بهزیستی یاد می‌کنم. به ایشان عرض کردم در ظرف ۴۲ سال در سازمان کارهای زیادی انجام شده، اما منابع خاصی می‌خواهد که بیش از ۶۰۰ هزار خانواری که سال‌هاست در این صف ایستاده‌اند تحت پوشش سازمان قرار بگیرند. ایشان دستور داد، پیگیری کردند، در رویدادی که در اواخر در قم بودند مسئله بهزیستی را مطرح کردند. در گفتگوی با مردم از بهزیستی گفتند. در محضر مقام معظم رهبری که گزارش می‌دادند، گفتند. افرادی که نابینا بودند به دفتر ایشان آمدند. خارج از پروتکل‌های ریاست جمهوری، دو مرتبه افراد دارای معلولیت در دفتر ایشان حضور پیدا کردند. دستوراتی که می‌دادند اجرا می‌شد. امروز ساختار سازمان بهزیستی متفاوت شده است.



رئیس عزیز ویژه‌نامه چهلمین روز عروج شهدای خدمت